

واکاوی هجران و فراق در مثنوی معنوی و غزلیات شمس مولانا

۱. جناب آقای دکتر علی نجفی (استاد راهنما) ۲. علیرضا آتش زر (نویسنده مسئول)

۱. استادیار و هیات علمی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

A.NAJAFI44@YAHOO.COM ، شماره تماس ۰۹۱۸۸۱۴۱۰۸۲

۲. دانشجوی کارشناسی دبیری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

A.R_ATASHZAR1355@YAHOO.COM

چکیده

اشعار مولانا جلال الدین بلخی از دیدگاه های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است. دیدگاه او در مثنوی معنوی و غزلیات شمس تبریزی از ویژگی های خاصی برخوردار است که یکی از مهم ترین مباحث آن عشق میباشد و از آن جایی که عشق دو ویژگی مهم از قبیل وصل و هجران را شامل می شود. در ادبیات فارسی ابیات بیشتری به دوری و جدایی و هجران عاشق و معشوق پرداخته اند یکی از موضوعات کلیدی مثنوی و غزلیات شمس که سرشار از زبان عشق است هجران و فراق و دوری می باشد که تاکنون در این مورد به طور مجزا و جامع در هر دو اثر بزرگ مولوی (مثنوی، غزلیات شمس) پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بیان معانی عرفانی هجران و فراق و دیدگاه دین اسلام در مورد هجران، دیدگاه مولانا در مورد جنبه های مختلف هجران در مثنوی و غزلیات شمس همراه با ذکر نمونه و شاهد مثال مورد بررسی قرار گیرد به همین منظور پس از مطالعه ی آثار متعددی درباره ی مولانا و شمس تبریزی، عشق و هجران جایگاه آن را بررسی شده است. ابیات مرتبط با موضوع از مثنوی ابیاتی از غزلیات شمس در معانی مختلف هجران نیز تحلیل و بررسی می شود.

در این مقاله به اشکال مختلف هجران به صورت توصیف، شکایت و ستایش و انواع فراق و علل آن شامل دلایل مثبت و منفی و علل بینابین، هجران شمس، پیوند عشق و هجران، سیره جردنیوی به هجران جاودانی، غیرقابل وصف بودن هجران، آثار مثبت و منفی هجران و ظایف عاشق در هجران یار از جمله: انتظار، صبر، شکر، شکایت، اشتیاق اشاره شده است. از نظر مولانا این درد فراق و هجران و دوری از معشوق است که انسان خام را پخته می نماید و می سوزاند و به اوج لذت عشق می رساند.

کلمات کلیدی: شمس، عشق، غزلیات شمس تبریزی، مثنوی معنوی، هجران

مقدمه

مولانا به عنوان یکی از پیامبران بزرگ ادبیات فارسی بوده و نیز خواهد بود. ایشان در دو اثر بزرگ خود یعنی مثنوی معنوی و غزلیات شمس از هر موضوع سخن به میان می آورد و از ارکان سخن این عالم بزرگ عشق و آثار برخاسته از عشق است. در ادبیات فارسی بیشترین حجم موضوعات مربوط به عشق بوده که در ادبیات غنایی و عرفانی نمودار شده است. در اشعار بزرگانی مانند حافظ شیرازی، سعدی شیرازی، فروغی بسطامی و بقیه ی صاحبان سخن نیز همین جایگاه